

کودکان

== کتاب مقدس ==



مجموعه "کودکان کتاب مقدس"

درس چهارم : داستان یوشیا

گروه سنی: ۹-۱۲

سوال: من از چه سنی باید خدا را پیروی کنم؟
هدف: من از همین سن می‌تونم خدا را با تمام قلب و فکر و جانم
محبت کنم..
آیات کلیدی: دوم پادشاهان ۲۲: ۱-۲ و دوم پادشاهان ۲۳: ۱-۳



سازمان ایلام ، کلیه حقوق محفوظ می باشد ۲۰۲۱ ©



سخنے با مربے:

کودکان از بدو تولد نیاز دارند تا احساساتی مانند دوست داشتن و دوست داشته شدن را دریافت و درک کنند. کودکان باید از روزهای نخستین زندگی، دوست داشته شدن را در محیط خانواده احساس کنند. در غیر این صورت، در ایام بزرگسالی در محیطی خارج از منزل به دنبال این احساس می گردند.

عشق و دوست داشتن تعاریف گسترده ای دارد که معنا و مفهوم آن از نظر کودکان نیز متفاوت است. برخی کودکان در آغوش گرفتن و برخی دیگر محبت کردن را عشق می دانند، اما موضوع دارای اهمیت این است که عشق از نگاه یک کودک، درکی است که از اطرافیانش بدست می آورد.

این موضوع از آن جا دارای اهمیت است که توانایی عشق ورزیدن در کودکان باعث می شود در ایام بزرگسالی، اعتماد به نفس و عزت نفس آن ها افزایش یابد. کودکان از بدو تولد اولین تجربه وابستگی و محبت شان را در ابتدا نسبت به مادر و در ادامه نسبت به پدر و سایر اقوام بدست می آورند. همچنین بیشتر کودکان پس از شناخت پدر و مادر خود، از دو سالگی به بعد احساس مالکیت و دوست داشتن شدیدی نسبت به وسایل و اسباب بازی های خود پیدا می کنند.

این احساس دوست داشتن و محبت حس زیبایی است که خدا همه انسان ها را با آن خلق کرده است، زیرا او خود خدای محبت است.

لازم است که کودکان در خانواده بیاموزند که محبت و دوست داشتن را نسبت به خداوند، نیز داشته باشند و اهمیت این موضوع را درک کنند، ولی شاید در بعضی خانواده ها، اهمیت این امر بیان نشود و حتی پدر و یا مادر مخالف این موضوع باشند. اما کودکان باید بدانند پیروی کردن از خدا و محبت کردن او انتخاب شخصی آنان است حتی اگر خانواده آن ها این ضرورت را در زندگی شان نداشته باشند. مانند پدر یوشیا، با اینکه پادشاه قوم بود اما خدا را اطاعت و پیروی نمی کرد ولی این انتخاب شخصی یوشیا بود که خدا را پیروی کرده و او را محبت کند.

این موضوع بسیار حائز اهمیت است که محبت کردن خداوند و پیروی کردن از او به شکلی برای نونهالان مطرح شود که آن ها با کمال میل و اشتیاق، بر طبق انتخاب شخصی این پیروی کردن را بپذیرند.

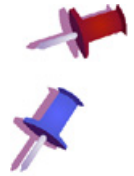
لازم است نونهالان این را بدانند که آن ها حق انتخاب دارند که با خداوند در ارتباط باشند و او را محبت نمایند، حتی اگر اعضای خانواده آن ها خدا را پیروی نمی کنند.

همانطور که این تصمیم خود یوشیا بود که خدا را محبت کند و با او در ارتباط باشد. پیروی کردن خدا کاملاً انتخاب شخصی او بود و این موضوع را در ادامه، از زندگی و تصمیم گیری های او به عنوان پادشاه متوجه می شویم.

در این کمک آموزشی به طور ویژه اشاره به زندگی یوشیا شده است. او کودکی است که در خانواده سلطنتی بزرگ شده و از قومی است که خدا را می شناسند اما پدر و پدربزرگ او در راه اطاعت از خدا گام برنمی داشتند و یوشیا با اختیار و اراده خود تصمیم گرفت که خدا را پیروی و اطاعت کند.

نونهال با یادگیری داستان یوشیا می آموزد که از هر زمانی که تصمیم بگیرد می تواند خدا را پیروی و محبت کند، خدایی که سرچشمه محبت است.





آمادگی برای ورود به داستان:

ایده اول:

من کیستم؟

زمان: ۳۰ دقیقه

هدف: همه ما انسان‌ها می‌توانیم خدا را دوست داشته باشیم.

توضیحات:

ساخت لگو کاغذی (یوشیا، پدر یوشیا، پدر بزرگ یوشیا، تخت پادشاهی، درختان) (الگوها در انتهای درس قرار دارند)

از قبل طرح‌های آماده‌سازی لگو را برای بچه‌ها آماده کنید. طرح‌های آماده‌سازی لگوها را ترجیحاً روی مقوا پرینت بگیرید. هر نونهال باید با خود چسب و قیچی داشته باشد.

به بچه‌ها توضیح دهید این یک بازی است که براساس آن شخصیت‌ها را می‌سازیم و هر کدام از بچه‌ها باید حدس بزنند که این شخصیت‌ها مربوط به کدام داستان از کتاب مقدس هستند.

از بچه‌ها بخواهید از بین شماره‌های زیر یکی را انتخاب کنند (فقط شماره‌ها را برای بچه‌ها بخوانید و اسم شخصیت‌ها را به آن‌ها نگویند)

شماره ۱ (یوشیا)

شماره ۲ (پدر یوشیا)

شماره ۳ (پدر بزرگ یوشیا)

شماره ۴ (تخت پادشاهی)

شماره ۵ (درختان)

(لطفاً تصویر کامل شده را به بچه‌ها نشان ندهید تا هیجان درست کردن آن حفظ شود)

بعد از اینکه بچه‌ها شخصیت‌های خود را انتخاب کردند، به آن‌ها توضیح دهید نحوه درست کردن این لگوها برگرفته از داستان لگوها است که اسباب‌بازی آن برای تمامی گروه‌های سنی است و انیمیشن آن هم موجود است، اما امروز ما می‌خواهیم شخصیت‌های کتاب مقدس را با استفاده از لگوهای کاغذی بسازیم.

همه باهم مشغول درست کردن لگوی خود براساس الگوهای داده شده شوید و در حین درست

کردن آن‌ها از بچه‌ها بپرسید که آیا می‌دانید این شخصیت‌ها براساس کدام داستان از کتاب مقدس هستند؟ اجازه دهید همه بچه‌ها حدس بزنند که این شخصیت‌ها مربوط به کدام داستان از کتاب مقدس است.

(اگر تعداد بچه‌هایی که با آن‌ها کار می‌کنید کم هستند لطفاً باهم این شخصیت‌ها را درست کنید به طوری که هر کس یک شخصیت متفاوت را درست کند. اگر تعداد بچه‌های کلاس شما بیشتر از تعداد شخصیت‌ها هستند همه بچه‌ها می‌توانند هر شخصیتی را که دوست دارند درست کنند اما مطمئن باشید که همه بچه‌ها یک شخصیت متفاوت را حتماً درست می‌کنند)

بعد از حدس بچه‌ها به قسمت "وارد شدن به دنیای کتاب مقدس" بروید.

ایده دوم:

بگرد و پیدا کن

زمان: ۱۰ دقیقه

هدف: بچه‌ها از طریق این بازی، می‌توانند راه‌های مختلف محبت کردن را بیاموزند.

توضیحات:

از قبل تصویر یک درخت بدون برگ را روی کاغذ بکشید و آن را به دیوار بچسبانید.

کاغذهای کوچکی به شکل قلب قرمز ببرید و روی کاغذها انواع راه‌های محبت کردن و راه‌هایی که با محبت در تضاد است را بنویسید (لطفاً نوشته خود را به زبانی که بچه‌ها مسلط هستند بنویسید تا آن‌ها بتوانند بخوانند)

به طور مثال:

انواع راه‌های محبت کردن: در آغوش گرفتن، هدیه دادن، گفتن جملهی "دوستت دارم"، و ...

راه‌هایی که با محبت در تضاد است: دعوا کردن، بی‌توجهی کردن به دیگران، احترام نگذاشتن و ... همه کاغذها را در کلاس پخش کنید و از بچه‌ها بخواهید در مدت زمان ۳ دقیقه کلاس را بگردند، قلب‌هایی که مربوط به راه‌های محبت کردن است را پیدا کرده و بیاورند.

بعد از این که زمان به اتمام رسید، از بچه‌ها

بخواهید کاغذهایی که پیدا کرده‌اند را بیاورند. ممکن است بچه‌ها به اشتباه کاغذهای دیگر را هم برداشته باشند اما با محبت به آن‌ها توضیح دهید که این راه‌ها، راه‌های محبت نیستند.

از بچه‌ها بخواهید هر کدام که راه‌های درستی برای محبت کردن پیدا کرده‌اند، به عنوان برگ‌های درخت روی آن بچسبانند و اسم درخت را درخت محبت بگذارید.

وارد شدن به دنیای کتاب مقدس:

داستان زندگی یوشیا

زمان: ۱۰-۱۵ دقیقه

هدف: به جای اینکه از زبان معلم داستان شنیده شود، ذهن بچه‌ها به چالش کشیده می‌شود تا خود داستانی را که شاید بارها شنیده‌اند را با یکدیگر در میان بگذارند.

توضیحات:

از بچه‌ها بپرسید آیا داستان یوشیا پادشاهی که در هشت سالگی به سلطنت رسید را شنیده‌اند؟ از آن‌ها بخواهید داستان یوشیا را به صورت خلاصه تعریف کنند. ترجیحاً اجازه دهید خود بچه‌ها داستان را تعریف کنند، شما نیز با استفاده از نکات زیر می‌توانید آن را تکمیل کنید.

خلاصه داستان یوشیا:

آمون پادشاه سرزمین اورشلیم بود و یک پسر اسم یوشیا داشت.

یوشیا به همراه پدر و مادرش در قصر زندگی می‌کردند.

پدر یوشیا و پدر بزرگ او خدا را دوست نداشتند و کارهای بدی انجام می‌دادند، حتی کتاب مقدس که یک گنج بود را گم کرده بودند.

اما یوشیا مانند داوود که پادشاه بسیار خوبی بود، خدا را خیلی دوست داشت و می‌خواست کارهایی که درست بود و خدا از آن‌ها خواسته بود را انجام دهد. وقتی پدر یوشیا فوت کرد، یوشیا هشت سالش بود و به جای پدرش پادشاه شد.

یوشیا در اول دوران پادشاهی‌اش از تمام مسئولیت‌ها و کارهایی که باید به عنوان پادشاه انجام دهد

می‌ترسید. اما او می‌دانست که اگر به حرف خدا گوش دهد و کارهای درستی که خدا از او می‌خواهد را انجام دهد، خدا در این مسیر او را کمک خواهد کرد.

پس یوشیا رفت و اون گنج یعنی کتاب مقدس را پیدا کرد. گنجی که خیلی از مردم فراموش کرده بودند که وجود دارد، حتی فراموش کرده بودند که خدا تو کتاب مقدس چه قانون‌هایی داده بود.

یوشیا دوباره به همه مردم، به بچه‌ها، به مامان و باباها، به مامان بزرگ‌ها و بابا بزرگ‌ها یادآوری کرد که چه قانون‌هایی خدا به ما داده که مهم‌ترینش این است که با تمام قلب و جان و قوت‌مان خدا رو محبت کنیم و دوست داشته باشیم.

یوشیا می‌دانست که خدا او را دوست دارد و برای خدا سن یوشیا مهم نیست و او می‌تواند از همین سن شروع به پرستیدن خدا کند.

پس یوشیا هم تصمیم گرفت خدا را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی قوت خود دوست داشته باشد و خدا را اطاعت کند.

یوشیا سی‌ویک سال در آن سرزمین پادشاه بود و در تمامی آن روزها کارهای درستی انجام داد.

خدا هم یوشیا را دوست داشت و در تمام آن سال‌ها به او کمک می‌کرد.

نتیجه‌گیری:

به بچه‌ها توضیح دهید همانطور که در داستان هم شنیدیم، یوشیا فهمیده بود او در هر سنی که باشد، چه کوچک باشد چه بزرگ، می‌تواند خدا را دوست داشته باشد و او را پیروی کند. امروز همه ما هم در هر سنی که باشیم، می‌توانیم تصمیم بگیریم که خدا را محبت کنیم، او را دوست داشته باشیم و به حرف‌های خدا گوش دهیم. فقط پدر و مادرها یا بزرگ‌ترها نیستند که می‌توانند خدا را دوست داشته باشند، همه ما در هر سنی که باشیم می‌توانیم خدا را محبت کنیم.

ما با اطاعت کردن از خدا، با دعا کردن، با خواندن کتاب مقدس و... می‌توانیم محبت خود را به خدا نشان دهیم و او را با تمامی دل و با تمامی جان و با

تمامی قوت خودمان محبت کنیم.
از بچه‌ها بخواهید لحظاتی چشمان خود را ببندد و دست‌شان را روی قلب‌شان بگذارند و در دل خود به خدا یک جمله محبت‌آمیز بگویند. مانند: "خدایا دوستت دارم" (اگر بعضی از بچه‌ها زمان بیشتری برای این کار احتیاج دارند، به آن‌ها فرصت و زمان بیشتری دهید).

کارگاه اجرایی:

پانتومیم

بچه‌ها را به دو گروه تقسیم کنید. یک نفر از هر گروه به عنوان نماینده انتخاب شود و به گروه مقابل برود. اعضای گروه با مشورت یکدیگر یکی از راه‌های محبت کردن را انتخاب کرده و به نماینده گروه مقابل بگویند.

به طور مثال: احترام گذاشتن، هدیه دادن، کمک کردن و ...

نماینده گروه باید چیزی که گروه مقابل به او گفته را برای گروه خود بدون هیچ صحبتی اجرا کند.

هر گروه در مدت زمان ۱۰ دقیقه فرصت دارد کلمه موردنظر را حدس بزنند.

این بازی را به تعداد بچه‌های هر دو گروه می‌توانید انجام دهید تا همه بچه‌ها حداقل یکبار برای انجام پانتومیم انتخاب شوند.

(در صورتی که جلسات شما مجازی برگزار می‌شود، یک نفر را از بین بچه‌ها انتخاب کنید. کلمه موردنظر را فقط برای آن فرد انتخاب شده بنویسید. فرد انتخاب شده پانتومیم را اجرا می‌کند و بقیه بچه‌ها باید آن را حدس بزنند. هر کس که توانست کلمه مورد نظر را حدس بزند، آن فرد بعدی برای اجرای کلمه بعدی خواهد بود)

در انتها سرود زیر را برای بچه‌ها پخش کنید و جلسه خود را به اتمام برسانید.

سرود پرستشی "عشق عمیق"

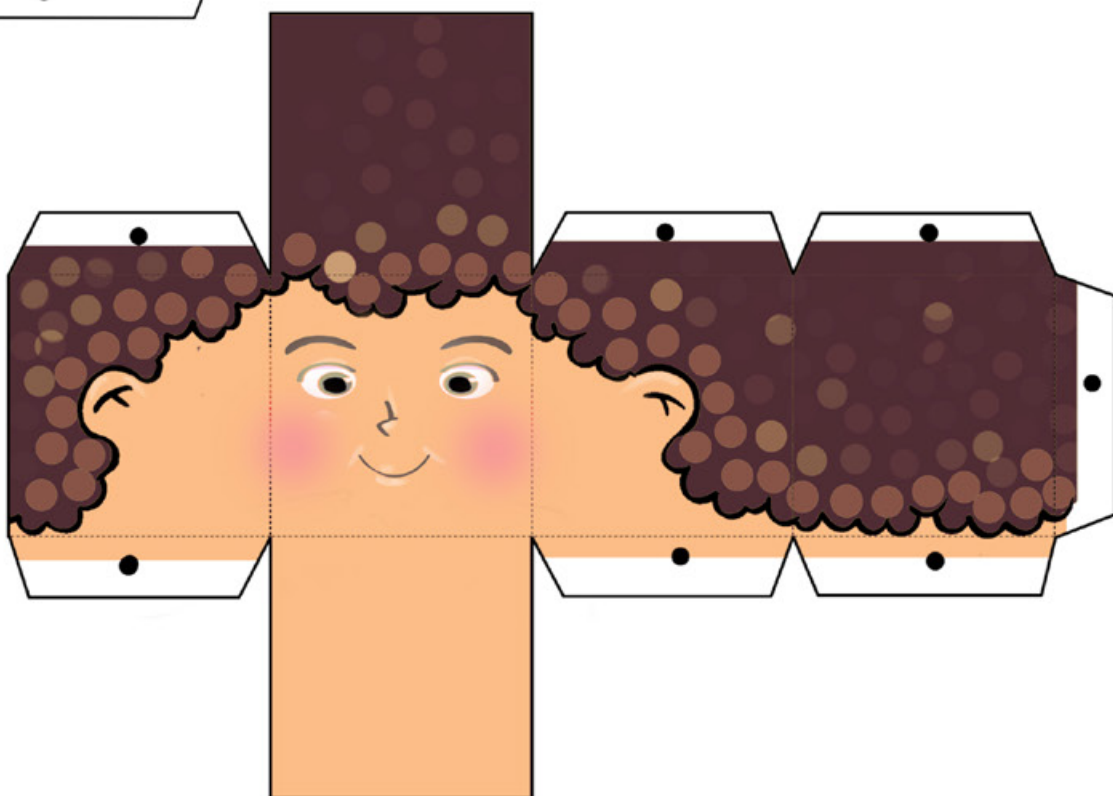
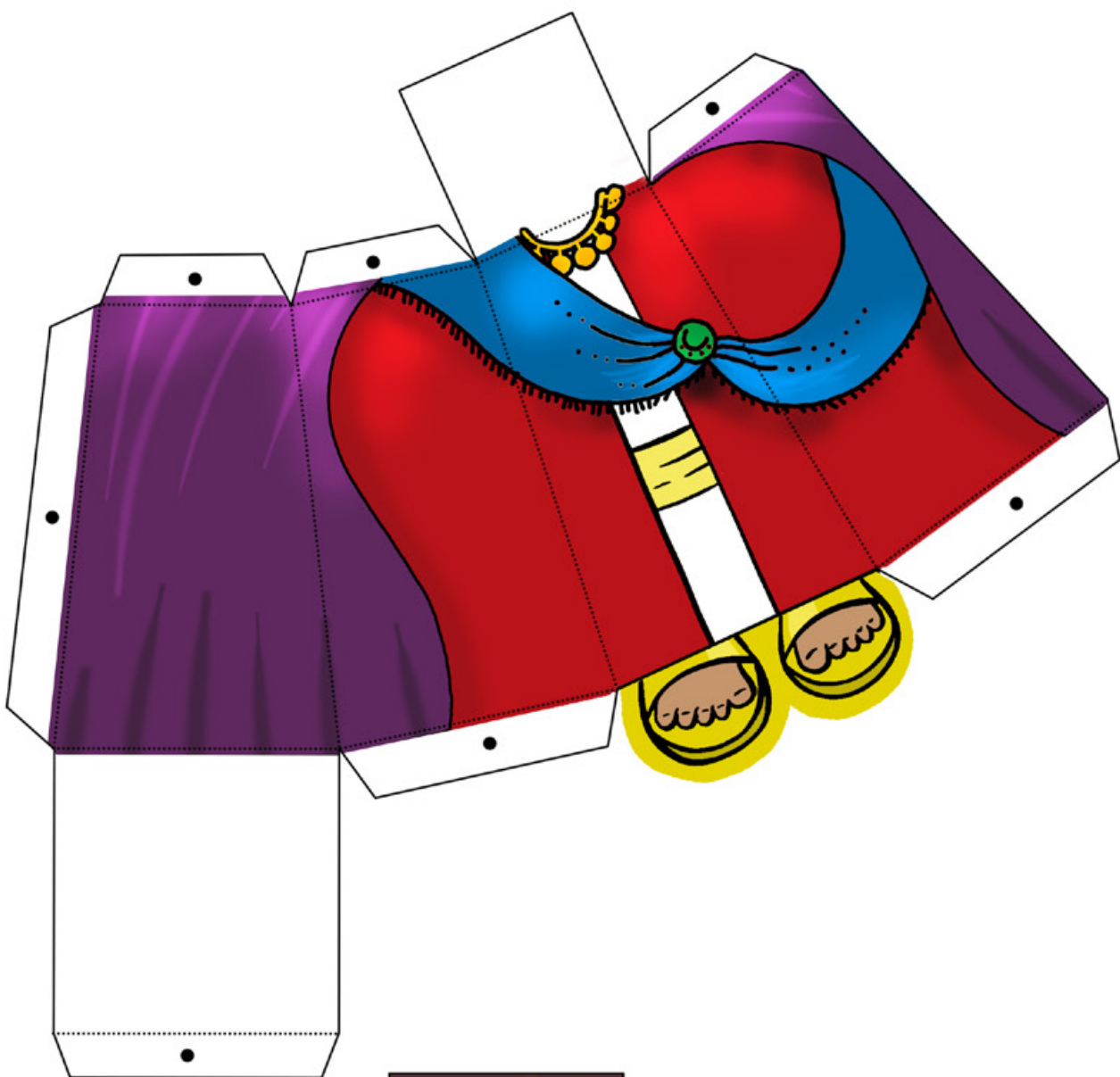


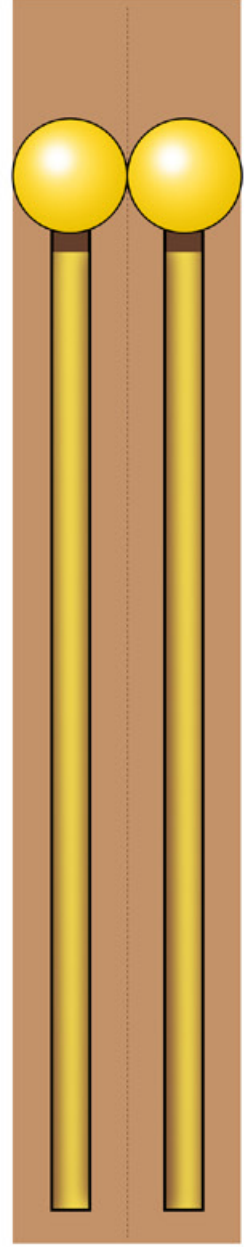


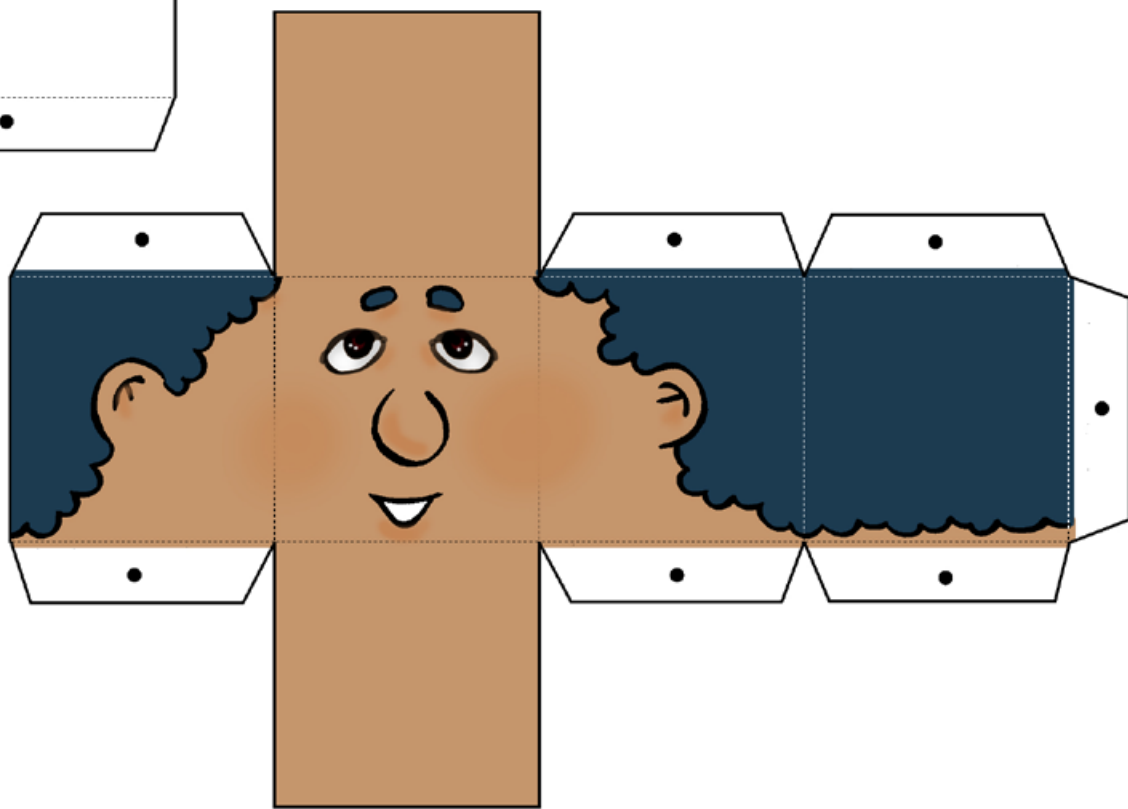
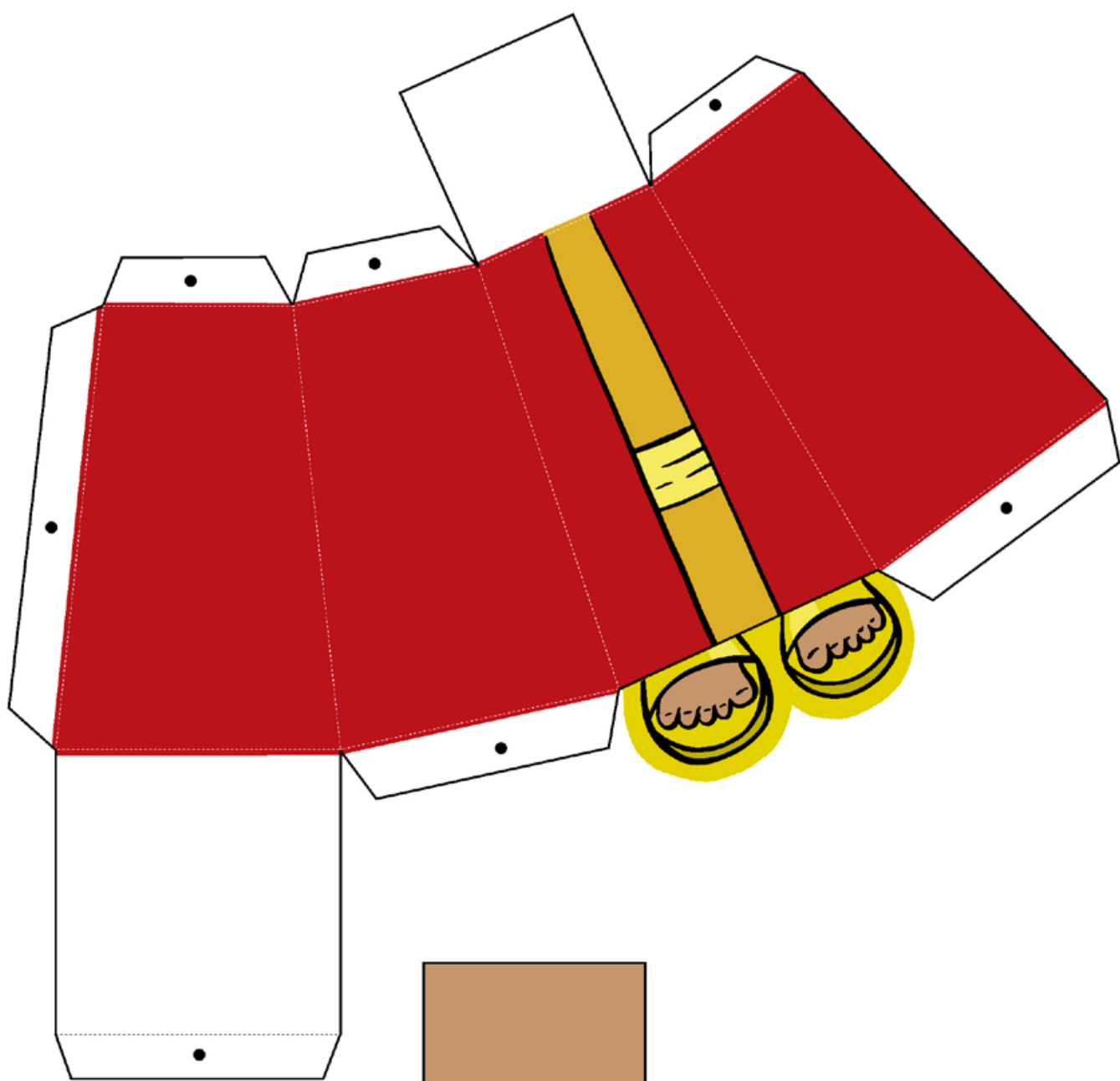
~~~~~











## ادامه تصویر شماره ۲

